



۴. از سعد اسکاف از امام باقر علیه السلام است: که منظور از «الد» دشمنی شدید است.^۱
۵. در همان تفسیر از ابو علی طبرسی از ابن عباس است که گفت: «این آیه درباره ریا کار نازل شده، چه خلاف آنچه را در باطن دارد ظاهر می سازد و گوید: همین معنی از امام صادق علیه السلام مروی است. و نیز از امام ششم است: که غرض از «حرث» در این جا دین و «نسل» مردم می باشند».^۲

۶. در امالی شیخ از حکیم بن جیر از علی بن الحسین علیه السلام درباره آیه ﴿و من الناس من یشری نفسه...﴾ است که: «درباره علی علیه السلام هنگامی که در فراش رسول اکرم خوابیده نازل گشت».^۳

۷. و همین حدیث از طریق عامه و سیله موفق بن احمد مسنداً از امام چهارم نقل است؛ و بالاخره تنها در تفسیر برهان ج ۱، ۱۳ مورد به طریق مختلف از عامه و خاص مسنداً و مرسلأ نقل می کند که شأن نزول آیه ﴿من یشری نفسه...﴾ درباره علی علیه السلام و در مورد لیلۃ المبتیت نازل گشته است.

﴿یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم كافة ولا تتبعوا خطوات الشیطان إنه لکم عدو مبین﴾ (۲۰۸).

ای کسانی که گرویده اید همگان در اسلام [و] انقیاد در آئید و گامهای دیو را پیروی

۱. عن سعد الإسکاف، عن أبي جعفر علیه السلام، قال: «إن الله يقول في كتابه: ﴿و هو الذی الخصام﴾ بل هم یختصمون.

قال: قلت: ما الد؟ قال: شدید الخصومة. تفسیر کنز الدقائق، ج ۲، ص ۳۰۴- تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۰۱، ح ۲۹.

۲. قال ابن عباس: نزلت الآيات الثلاث في المراثي، لأنه يظهر خلاف ما یبطن قال: و هو المروي عن الصادق علیه السلام و روي عن الصادق علیه السلام: أن الحرث في هذا الموضع: الدين، و النسل: الناس. تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۳۴، تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۴۴۱ ح ۱۰۶۹- ۱۰۷۰.

۳. حدثنا جماعة، عن أبي الفضل، «قال: حدثنا محمد بن أحمد بن يحيى بن صفوان الامام بأنطاكیة، قال: حدثنا

محفوظ بن بحر، قال: حدثنا الهيثم بن جميل، قال: حدثنا قيس بن الربيع، عن حكيم بن جبير، عن علي بن الحسين علیه السلام فی قول الله عزوجل: ﴿و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله﴾ قال: نزلت فی علی علیه السلام حين

بات فراش رسول الله صلی الله علیه و آله. الامالی، للطوسی، ص ۴۴۶، ح ۲/۹۶۶.

۴. مناقب الخوارزمی، ص ۱۲۷؛ ح ۱۴۱، تفسیر ثعلبی، ج ۲، ص ۱۲۶، مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۴.

۵. تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۴۴۱- ۴۴۵، ح ۱۰۷۳ به بعد.



نکنید، که به راستی او شما را دشمنی است آشکار.

﴿فَإِنْ زَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتِ فَاَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (۲۰۹)

و اگر لغزیدید بعد از آن که شما را نشانه هائی روشن آمد، پس به یقین بدانید که خداوند چیره است و درستکار:

﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾ (۲۱۰).

آیا جز انتظار می کشند و چشمی دوزند، که بیاید ایشان را [فرمان] خدا در سایبان هائی از آبر و فرشتگان و کار بگذرد و به سوی خدا بر می گردد همه کارها.

لغت

«سلم»: اسلام، انقیاد، کردن نهی، صلح و سازش.

«كافه»: همگی، تماماً، جمعاً، همگان.

«زل»: زلزله و مزله، لغزش؛ لغزیدن، سر خوردن؛ انحراف و کژی از راه راست و درست.

«عزیز»: چیره، غالب، توانا، بلند پایه ای که او را کسی یا چیزی ناتوان نسازد.

«نظر»: نگاه؛ نگاه کردن، نگریستن و در این جا به معنای چشم داشتن یا چشم براه دوختن و انتظار کشیدن است.

«ظلل»: جمع ظلّه، سایبان.

«سحاب»: ابر، میغ.

پس از آن که از دو گروه یعنی: منافق دروغ پرداز و مؤمن راستین جان باز، در آیات قبل سخن راند و همگان را بیداری بخشید، اینک به طور کلی گروندگان دین حق را اعم از مؤمن و منافق مخاطب ساخته می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً﴾ (۲۰۸).

ای کسانی که گرویده اید همگی در اسلام در آئید.

[خطاب به هر دو گروه]

پیدا است ایمان به اسلام و قرآن غیر از تسلیم و انقیاد همه جانبه و بدون چون و چرا در تمام اوامر و نواهی حق و گفتار رسول اکرم و ریشه کن ساختن هر نوع اختلاف آراء و مذاق شخصی و استنتاج فکری در امور مذهبی و دینی است چه، مؤمن که تسلیم خدا شد دیگر هیچ گونه نظریه شخصی و استنتاج و قیاس فکری در امور و احکام و دستورات مذهب از خود نشان نمی دهد، مغز و روان او تنها دنباله رو فرمان خدا و رسول و انقیاد در برابر اوامر آنهاست و راهی را که ارائه می دهند بی چون و چرامی پذیرد و گردن می نهد، نه به عنوان دلسوزی اسلام، به فکر و اندیشه خود خلیفه و جانشین رسول اکرم ﷺ تعیین می کند و نه با متابعت از هوی و هوس و پیروی از گامهای شیطان غصب خلافت و دگرگونی در دین و بدعت در احکام می گذارد.

لذا خداوند مهربان هشدار به ضمیر منافق و روان مؤمن می دهد، که یکپارچه تسلیم امر خدا باشند و کوچکترین انحرافی از مکتب دین و فرمان رسول در امور اعتقادی و عملی نورزند و لذا تأکید می فرماید که:

﴿وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ﴾

و گامهای شیطان [دیو] را پیروی نکنید. یعنی: آنها که به فکر و اندیشه خود به غرض یا ندانسته و نسنجیده در خواب انداز و خواب آلود آیه معنی می کنند و راه بدعت باز می کنند یا زیر بار برخی از دستورات اسلام نمی روند، بدانند که به راهی گام گذاشته اند که شیطان سپرده است و سرانجامی خواهند داشت که هم او دارد؛ و برای این که بهترین دشمن سمج و نابه کار را معرفی کند، فرمود:

﴿إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾

همانا او شما راست دشمنی آشکار. چه در آغاز بر اثر عدم سجده به آدم و سرپیچی از فرمان خدا طرد و ساقط شد و لذا کینه و دشمنی آدم و فرزندان او در دل گرفت و تا وقت معلوم همواره در مقام فساد و کفر آدمیان از کوشش و تکاپو باز نایستد، تا سرنوشت گروه زیاد را به دوزخ و آتش خشم الهی بکشاند.





﴿فَإِنْ زَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ﴾ (۲۰۹)

و اگر دچار لغزش شدید و پس از آن که شما را نشانه های روشن آمد. یعنی: وقتی که ما آیات خود را بر شما خواندیم و دلائل صدق نبوت و قرآن بر شما مسلم گشت و هیچ گونه جای ابهام و ایرادی منطقاً باقی نماند و در حقیقت اتمام حجّت به نحو شایسته صورت گرفت، باز روی هوای نفس و القاء شیطان از جاده حق و تسلیم در برابر پروردگار و رسول منحرف شدید و به اندیشه و میل خود گام زدید:

﴿فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾.

بدانید که همانا خداوند چیره درستکار است.

[انحراف شما، خدا را ناتوان نمی کند]

یعنی: مخالفت و انحراف شما خدا را ناتوان نخواهد ساخت، هر قدرت و شوکت و هر شرافت و عزّتی به دست توانای او است و خود بر هر چیز غالب است هنگامی که بخواهد می تواند شما را به هر نوع عذابی اخذ کند و چون گروه پشینیان هلاک و نابود سازد یا اگر مهلت دهد و عذاب نکند بر وفق مصلحت و حکمت عمل نموده است جای ایراد و انتقادی نیست.

پس از اتمام حجّت در آیات فوق می توان گفت: نوعی [یا] گروهی سنگدل و بدسرشت همواره در میان مردم بوده، که تحت هیچ عنوان بر اثر شدت هوای نفس و سوء اختیار آمادگی برای پذیرش حق ندارند، لذا برای این طبقه از مردم فرمود:

﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ﴾ (۲۱۰)

آیا جز انتظار می کشند این که بیاید ایشان را خداوند در سایبانهایی از ابر و فرشتگان! استفهام انکاری است.

یعنی: این گروه منافق کافر و گنه کار معترض - که به شدت خود خواهند و مستکبر؛ جز آمدن فرمان خدا و فرشتگان و مأموران الهی - که مستلزم نزول عذاب و هلاکت ایشانست؛ چشم داشتی ندارند. چه در این هنگام دیگر ایمان آوردن و تسلیم حق شدن چون فرعون و فرعونیان سودی نخواهد داشت زیرا:

﴿وقضى الامر﴾ .

کار گذشته و مطلب خاتمه یافته و مهلت به فرجام رسیده . چنان که در آیه ای از سوره انعام که مشعر بر همین معنا است خداوند از گفته کفار باز گو کند که :
﴿وقالوا لولا أنزل عليه ملك﴾ (انعام: ۶) : چرا بر پیامبر فرسته ای فرود نیامد .
خداوند پاسخ دهد که :

﴿ولو أنزلنا ملكا لقضى الأمر ثم لا ينظرون﴾ (انعام: ۶) : ۸ .

اگر فرشته ای فرو فرستیم هر آینه کار بگذرد و جریان پایان پذیرد سپس مهلتی نیابند . چه دیگر جای ابراز ایمان نبوده و هنگام و روز عذاب و مشاهده فرشتگان هر نوع تسلیم و انقیاد مورد پذیرش نیست بلکه در این وقت دفتر و کتاب اعمال و رفتار و رسیدگی به حساب افراد از خوب و بد بازمی شود، لذا فرمود :

﴿والى الله ترجع الامور﴾ (۲۱۰) .

و همه کارها بسوی خداوند برگشت می شود .

یعنی : رسیدگی امور و چگونگی اعمال و پرونده دوره حیات آدمی در دنیا و سرنوشت کيفر و پاداش به دست خدای توانا است تا نیکو کار از بد کار متمایز و هر يك به اجر و مزد خود برسند .

باید دانست که غرض از آمدن خداوند برابر احادیث وارده در حقیقت فرمان و امر او است یا عذاب الهی و در آیه که لفظ ملائکه عطف بر الله است مراد را فرشتگان عذاب تعیین کرده اند، که به سراغ گنه کاران برای تعذیب ایشان فرودمی آیند .

قرائتی در عیون اخبار الرضا از امام هشتم است که فرمود : کلمه والملائكة «بالملائكة» است که معنی می شود : ایشان را خداوند فرشتگان عذاب بیاورد .^۱

یعنی : آنان جز این که خداوند فرشتگان عذاب را بر سرشان در سایبانهای از ابر فرود آورد، دیگر چشم انتظاری ندارند .

۱ . وسألته عن قول الله عزوجل : ﴿هل ينظرون الا ان ياتيهم الله في ظلل من الغمام والملائكة﴾ قال : يقول : ﴿هل ينظرون إلا أن يأتيهم الله بالملائكة في ظلل من الغمام﴾ وهكذا نزلت . عیون أخبار الرضا عليه السلام ، ج ۱ ، ص ۱۲۶ ، ح ۱۹ ، باب ۱۱ .



[تاویل آیه]

و نیز می توان گفت: در تاویل آیه احادیثی که در مورد رجعت یا ظهور ولی عصر علیه السلام یا هنگامه قیامت آمده، همگی قابل جمع است؛ زیرا هر يك از این سه حال حاکی از فرجام ناگوار نسبت به کیفر و مجازات گروه گنه کار و ستمگر است و تطبیق آیه با هر يك و در جمع مناسب نیست و اینک حدیثی چند درباره آیات ذیلاً درج می شود:

۱. در تفسیر برهان ذیل آیه: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً﴾ (۲۱۰). از عبدالله بن عجلان از ابی جعفر علیه السلام نقل است که فرمود: «آیه درباره ولایت ما است»^۱. بدیهی است با این سخن بیان مصداقی از آیه را فرموده اند چه آنها که وحدت اسلامی را شکستند و در صلح و سازش نسبت به مکتب قرآن و فرمان رسول قرار نگرفته و تسلیم امر و ولایت نشدند، در حقیقت راه شیطان سپرده اند.

۲. در امالی شیخ از محمد بن ابراهیم است که گفت:

«شنیدم حضرت صادق علیه السلام درباره قول خداوند: (در اسلام همگی داخل شوید) می فرمود: درباره علی بن ابی طالب علیه السلام است و در جمله (پیروی گام های شیطان نکنید) فرمود: پیروی غیر علی علیه السلام را ننمائید.^۲

باری از فضیل بن یسار و محمد بن مسلم و ابی بکر الکلبی، و ابی بصیر و ابن شهر آشوب به طرق مختلف از امام صادق و امام باقر و زین العابدین علیهم السلام به همین معنا درباره آیه حدیث آمده است^۳ که بیان مصداقی اعظم فرموده اند.

۱. محمد بن یعقوب: عن الحسين بن محمد، عن معلي بن محمد، عن الحسن بن علي الوشاء، عن مثنى الخياط، عن عبد الله بن عجلان، عن أبي جعفر علیه السلام، في قول الله عزوجل: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾. قال: في ولايتنا. تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۴۴۵، ح ۱/۱۰۸۵؛ الكافي، ج ۱، ص ۴۱۷، ح ۲۹.

۲. أبو محمد الفحام، قال: حدثنا محمد بن عيسى بن هارون، قال: حدثني أبو عبد الصمد إبراهيم، عن أبيه، عن جده محمد بن إبراهيم، «قال: سمعت الصادق جعفر بن محمد علیه السلام يقول في قوله تعالى ﴿ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً﴾، قال: في ولاية علي بن أبي طالب علیه السلام أولاً تتبعوا خطوات الشيطان، قال: لا تتبعوا غيره». الأمالی طوسی: ۲۹۹ - ۳۰۰ ح ۵۹۱ / ۳۸؛ ينابيع الموده، ج ۲، ص ۲۸۷، ح ۸۲۱.

۳. مختصر بصائر الدرجات، ص ۶۴؛ ينابيع الموده، ج ۱، ص ۳۳۲، ح ۵؛ تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۰۲، ح ۲۹۴ - ۲۹۷.